

به نام خدا

شیوه‌نامه نگارش مقالات

جشنواره سدید، وبگاه دوران، وبگاه انسان‌رسانه

خرداد ۱۴۰۱

فهرست مطالب

۳.....	۱. دشواری‌های زبانی.....
۱.۱.....	۲. عددنویسی.....
۱.۲.....	۳. رسم خط.....
۱۵.....	۴. نشانه‌گذاری.....
۲۵.....	۵. شیوه نقل قول و ارجاع.....

منظور از نوشته در این شیوه‌نامه متنی است که برای عرضه یافته‌های پژوهشی آماده شده است و آن را به زبان علمی نوشته‌اند. هدف از زبان علمی فقط عرضه اطلاعات است. این مرتبه از زبان چنین ویژگی‌هایی دارد: ساده و بی‌تکلف و عاری از پیچیدگی است؛

کژتابی و ابهام ندارد؛

از اصرار بر سره‌نویسی و از سلیقه‌های شخصی و عادات فردی زبانی به‌دور است؛
تعبیرهای مجازی و کنایی (به‌جز کنایات بسیار مشهور) در آن کمتر به کار می‌رود؛
تعبیرهای ادبی و شاعرانه (مانند «جان به جان‌آفرین تسلیم کرد» و «از مادر به دنیا آمد» و «پا به جهان گذاشت» و «رخت از جهان فانی بریست» و «روی در نقاب خاک درکشید» و «به زیور طبع آراسته گشت») در این مرتبه از زبان جایی ندارد یا بسیار اندک و در حد ضرورت است؛

بار عاطفی تعبیرات در آن در حداقل ممکن است و در آن، از به کار بردن الفاظ رکیک و مستهجن یا تعابیر احساسی پرهیز می‌شود؛

در آن، از اصطلاحات رایج و پذیرفته و رسمیت یافته در هر رشته استفاده می‌شود و از کاربرد برساخته‌های ذوقی و نارایجی که در مراکز علمی و دانشگاهی پذیرفته نشده است پرهیز می‌شود؛
سبک نوشتار اداری در آن به کار نمی‌رود.

در اینجا، مهم‌ترین مشکلاتی را که ممکن است در نوشته با آنها مواجه شوید ذکر می‌کنیم.

۱. دشواری‌های زبانی

منظور از دشواری‌های زبانی مشکلاتی در نوشته است که به طرز کاربرد زبان بازمی‌گردد. در اینجا به ذکر مهم‌ترین دشواری‌های زبانی بسنده می‌کنیم.

۱-۱. کژتابی

جمله یا عبارت دارای کژتابی، ابهام، یا ابهام جمله‌ای است که بیش از یک معنا دارد. این چندمعنایی در نثر علمی مطلوب نیست؛ چرا که هدف از نوشته علمی بیان ساده و صریح نتیجه تحقیق است، نه بیان ادبی. برخی از ساختارهای رایج در زبان فارسی معمولاً سبب کژتابی است، این ساختارها عبارت است از:

روشن نبودن مرجع ضمیر

معنای اول: او تا برادرش را دید، در خانه برادرش را بست.
معنای دوم: او تا برادرش را دید، در خانه خود را بست.

او تا برادرش را دید، در خانه اش را بست.

مختصرنویسی
منتقد پنج غلط از مقاله او گرفت که اتفاقاً همه درست بود.

معنای اول: هر پنج غلطی که منتقد گرفته بود بجا بود.
معنای دوم: غلط‌هایی که منتقد گرفته بود غلط نبود و منتقد اشتباه کرده بود.

تنها+ اسم

معنای اول: در خانه فقط نباید استراحت کرد.
معنای دوم: انسان باید جاهای دیگری به جز خانه هم برای استراحت داشته باشد.

خانه نباید تنها محل استراحت انسان باشد.

۱-۲. خطاها و گره‌های منطقی

- ♦ منفی‌گویی‌های مکرر در جمله
- ♦ کارشناسان نباید نبود امکانات را بهانه‌ای برای اهمال خود نپندارند.
- ♦ برخی ترکیب‌ها مانند: بی‌نظیرترین، اصلی‌ترین، بسیار نایاب، عدم وجود، و یا.

۱-۳. حشو

- ♦ مترادف‌های بیجا
- ♦ او به دقت و دقیق و موشکافانه تزئینات را واریسی کرد.
- ♦ دو صله پی‌درپی: آنچه که ...
- ♦ آوردن این عبارات با هم در جملات متوالی، هم‌پایه، یا وابسته:
اگر چه ...؛ اما ...؛
هرچند ...؛ ولی ...؛
با آنکه ...؛ با این‌همه ...؛
با اینکه ...؛ ولی ...؛
از آنجا که ...؛ بنا بر این.

✓ «نه تنها...؛ بلکه...» درست است.

۱-۴. درازنویسی

تبدیل فعل‌های ساده به فعل‌های مرکب و عبارت‌های کوتاه به عبارت‌های بلند نابجا یا نافصیح است.

ترکیب نادرست	ترکیب درست
اتباع کردن	خریدن
اتخاذ کردن	گرفتن
ارسال کردن	فرستادن
اطلاع حاصل کردن	شنیدن/ فهمیدن/ اطلاع یافتن/ آگاه شدن
ایفاد کردن	فرستادن
امکان‌پذیر	ممکن
برخوردار بودن	داشتن
به خود اختصاص دادن	گرفتن
به رشته تحریر درآوردن	نوشتن
به مورد اجرا گذاشتن	کردن/ اجرا کردن
پشت سر گذاشتن	گذشتن
تأثیرپذیر	متأثر/ اثرپذیر
تأثیرگذار	مؤثر/ اثرگذار
خریداری کردن	خریدن
در جریان قرار دادن	اطلاع دادن
قادر بودن	توانستن
مورد ... قرار دادن (مثال: مورد توجه قرار دادن)	... کردن (مثال: توجه کردن)

۱-۵. کلیشه‌های زبانی و گرت‌برداری‌های نابجا

کلیشه‌های زبانی واژه یا عبارتی است که بر اثر کاهلی نویسندگان و مترجمان، از معنای خود توسعه بیش از اندازه یافته و حساسیت خود را از دست داده است. کلیشه‌های زبانی را به راحتی می‌توان در معناهای نامربوط و متنوع، به جای چندین واژه، به کار برد. کلیشه‌های زبانی حساسیت و دقت زبان و زیبایی آن را از میان می‌برد. گرت‌برداری زبانی اقتباس از ترکیب‌ها و کلمات بیگانه در زبان است. گرت‌برداری ممکن است از واژه‌ها یا ساختارهای زبان بیگانه باشد. گرت‌برداری‌ها گاهی طبیعی است و به واسطه تعامل فرهنگ‌ها با هم به زبان داخل می‌شود (مانند سیب زمینی یا راه‌آهن) و گاهی غیرطبیعی است. گرت‌برداری نادرست گرت‌برداری غیرطبیعی است که واژگان و ساختار زبان

را تهدید می‌کند. عامل این گرت‌برداری‌ها معمولاً دسته‌ای از مترجمان کاهل‌اند که با برخورد با واژه‌ای بیگانه، ریاضی‌وار، همواره یکی از برابری‌ها را که در لغت‌نامه یا حافظه خود می‌یابند عیناً در ترجمه به کار می‌برند؛ بی‌آنکه به برابری‌های دیگر همان واژه در فرهنگ لغات و زبان مقصد توجه کنند. چند مثال:

بالا: در فارسی فقط به معنای فوق، رو، زبر است و مقابل زیر و پایین. امروز بر اثر ترجمه بی‌دقت high، به معنای دیگری نیز به کار می‌رود. در به کار بردن این واژه، دقت کنید که آن را در غیر معنای درست به کار نبرید. مثال:

منش استاد تأثیر بلاغی زیادی بر دانشجویان دارد؛
فردا از دمای هوا به میزان بلاغی به شدت کاسته می‌شود؛
دانشجویان از روحیه بلاغی خوبی برخوردارند؛
قیمت‌ها بلاغت افزایش یافت؛
تجمع بلاغی بیش از دو نفر ممنوع.

پایین: مقابل بالا. این واژه را نیز به آسانی در برابر low انگلیسی به کار می‌برند؛ اگرچه به معنای «پایین» نباشد.

در به کار بردن این واژه، دقت کنید که آن را در غیر معنای درست به کار نبرید. مثال:

دیروز نرخ ارز در بازار تهران به پایین‌ترین حد خود در ماه‌های اخیر رسید.
امسال بهای نفت پایین آمده کم شده است.

باید سقف تولید نفت را پایین نیاوریم. باید از کاهش نصاب / حد تولید نفت جلوگیری کنیم.

نسبت به: «نسبت» در فارسی به این معنای است: خویشی، قرابت، خویشاوندی، انتساب، مناسبت. ترکیب «نسبت به» در جایی درست است که واقعاً سخن از نسبتی میان دو طرف این کلمه باشد. در بیشتر موارد، این ترکیب را به جای ترکیبات متنوعی چون در حق، در برابر، در قبال، در پیشگاه، در مقایسه با به کار می‌برند. گاهی هم این ترکیب به کلی زاید است و می‌توان آن را به آسانی حذف کرد.
در پی جنگ در سوریه، فعالان میراث فرهنگی نسبت به درباره وضع اماکن تاریخی این کشور به یونسکو شکایت کردند.

معماران نسبت به در قبال / در پیشگاه جامعه مسئول‌اند.

مدیر فعلی سازمان میراث فرهنگی نسبت به در مقایسه با مدیر پیشین نسبت به حفظ آثار حساس تر است.

کارشناسان نسبت به وضعیت نگهداری برخی از آثار تاریخی معترض‌اند.

به عنوان: تا حد ممکن، از به کار بردن «به عنوان» در هنگامی که «عنوانی» در کار نیست خودداری کنید و به جای آن، از تعبیراتی چون به منزله، به مثابه، همچون، در حکم، در مقام، در نقش، در کسوت، در جایگاه استفاده کنید؛ یا اینکه جمله‌بندی را عوض کنید تا نیازی به «به عنوان» نباشد.

به عنوان در جایگاه مورخ معماری، باید از فرافکندن وضعیت امروز به گذشته خودداری کنیم.

در تاریخ معماری، به عنوان به منزله شاخه‌ای از تاریخ، از روش‌های تحقیق تاریخی بهره می‌بریم. قابل... و غیرقابل...: تداول صفت‌های ساخته با «قابل» و «غیرقابل» حاصل ترجمه‌های ناشیانه صفت‌های انگلیسی مختوم به able است. مترجمان، و پس از آنان دیگر فارسی‌زبانان، کم‌کم این ترکیب را جانشین ترکیب‌های اصیل فارسی کرده‌اند. معمولاً با این شیوه‌ها می‌توانیم این صفات بدآوا را به صفات رایج در زبان فارسی معیار تغییر دهیم.

۱. اسم مصدر + پذیر: غیرقابل نفوذ نفوذناپذیر
۲. مصدر + «ی» لیاقت: غیرقابل ذکر ناگفتنی | قابل خوردن خوردنی | قابل ستایش ستودنی
۳. اسم + کردنی: غیرقابل باور باورنکردنی | قابل باور باورکردنی
۴. اسم + شدنی: قابل اجرا اجراشدنی
۵. اسم فاعل: غیرقابل اطمینان نامطمئن | غیرقابل استفاده بی‌فایده
۶. درخور + اسم: قابل توجه درخور توجه
۷. اسم مفعول: قابل احترام محترم | قابل اهمیت مهم
۸. اسم + برانگیز: قابل تحسین تحسین‌برانگیز
۹. شایسته (شایان) + اسم: قابل ذکر شایان ذکر | قابل بررسی شایسته بررسی
۱۰. در + اسم: قابل دسترس در دسترس
۱۱. جمله: می‌توان تعمیر می‌توان تعمیر کرد.

توانستن به معنای احتمال داشتن: در فارسی فعل‌های ساخته از مصدر توانستن به معنای استعداد داشتن برای اجرای کار یا اجازه داشتن و حق داشتن است بر اثر ترجمه‌های ناشیانه از فعل کمکی can، گاهی می‌بینیم این فعل را به معنی احتمال داشتن و ممکن بودن هم به کار می‌برند، که نادرست است. انتقال آثار سنگی از محیط طبیعی آنها به اقلیم‌های دیگر می‌تواند ممکن است سرعت از بین رفتن آنها را افزایش دهد. **شرایط به معنای اوضاع و احوال:** شرایط جمع شرط است، که جمع دیگر آن شروط است. شرط در فارسی به معنای لازمه کار است و نباید جمع آن، شرایط، را به معنای اوضاع و احوال و موقعیت و وضعیت به کار ببریم. شرایط به معنی وضعیت و موقعیت از راه ترجمه غلط کلمه conditions، که در انگلیسی هم به معنای شرایط و شرط‌هاست و هم به معنای وضعیت، به زبان فارسی راه یافته است. **شرایط** موقعیت خرگرد در زمان تیموریان به گونه‌ای بود که ساخت چنان مدرسه‌ای را اقتضا می‌کرد. **شرایط** وضع روحی هنرمندان در شیوه خلق آثار هنری مؤثر است.

اسم معنی در معنای اسم جمع: نباید بشریت را به معنای انسان‌ها و افراد بشر به کار برد و روحانیت را به معنای روحانیان.

افراط در به کار بردن افعال مجهول: افراط در به کار بردن افعال مجهول با سرشت زبان فارسی بیگانه است و سخن را بدآهنگ می‌کند. از دقت در زبان گفتار معلوم می‌شود که زبان محاوره همچنان در برابر ورود افعال مجهول مقاومت می‌کند: «خیابان‌ها را دوباره کنند»؛ «می‌گویند اگر تقاضا بدهی، بررسی می‌کنند». اگر در جمله مجهولی فاعل نبود، بهتر است بسته به موقعیت و معنا، جمله را به صورت سوم شخص یا اول شخص جمع بنویسید.

~~نقل شده است... نقل کرده‌اند ...~~
~~گفته می‌شود... می‌گویند ...~~
~~... چنین تنظیم شده است ... چنین تنظیم کرده‌ام ...~~

از به کار بردن ساخت مجهول همراه با «توسط»، «به وسیله»، «از سوی» و مانند اینها خودداری کنید: این بنا توسط استاد معارفی مرست شد. را استاد معارفی مرمت کرد.

فاعل بی جان و فعل جمع: در جایی که فاعل بی جان و جمع است، تا حد ممکن از به کار بردن فعل با صیغه جمع خودداری کنید (مثلاً: ننویسید «این بناها بزرگ‌اند»؛ بلکه بنویسید «این بناها بزرگ است»؛ مگر در جایی که غرض اصرار بر تعدد باشد یا در جایی که به موجود بی جان صفت جان‌دار داده باشید.

به طور ...: تا حد ممکن، از آوردن «به طور» برای ساختن قید خودداری کنید. به جای تعبیراتی چون «به طور معمول»، «به طور دقیق»، «به طور تقریب»، «به طور مستقیم»، «به طور مستقیم» — معمولاً، دقیقاً/ به دقت، تقریباً/ به تقریب، مستقیم/ مستقیماً — را به کار ببرید.

خلط علت و دلیل: از به کار بردن «دلیل» و «به دلیل» به جای علت/ به علت، سبب/ به سبب، بر اثر خودداری کنید. علت منشأ و سبب چیزی است و دلیل نشانه چیزی. علت آمدن باران تراکم ابرهاست؛ اما دلیل آمدن باران خیزی کف خیابان‌هاست.

در رابطه با ...: از به کار بردن تعبیرهای «در رابطه با» و «در ارتباط با» در معنای «درباره»، «در زمینه»، «در خصوص» خودداری کنید.

تمام به جای همه: از به کار بردن «تمام» و «تمامی» در معنی «همه» و «همگی» خودداری کنید و «تمام» را فقط در معنای اصلی‌اش (کامل، بسیار، کافی) به کار ببرید.

۱-۶. دیگر ساخت‌ها و ترکیب‌های نادرست

- ◆ اضافه کردن «تر» و «ترین» به صفات تفضیلی عربی: اصلح ~~تر~~ | اعلم ~~ترین~~ (استثنا: اولیٰ)
- ◆ ساختن قید از کلمات غیرعربی با تنوین: گاهی | تلفناً با تلفن | ناچاراً به ناچار
- ◆ افزودن «یت» مصدرساز عربی به کلمات فارسی: رهبریت رهبری | خویبت خوبی (استثنا: مواردی که متخصصان علوم انسانی آنها را روا شمرده‌اند و متداول شده است؛ مانند مدرنیت، ایرانیت)
- ◆ افزودن تایی تأنیث به صفت یا اسم: وظایف محوله محول / سیرده | شاعرۀ شاعر جوان | قرارداد منعقدۀ بسته شده / منعقد
- ✓ توجه: ترکیب‌های متداول در زبان معیار را تغییر ندهید: قوه قضاییه | وزارت خارجه
- ◆ جمع بستن کلمات سه حرفی عربی با «ات»: نظرات نظر / نظرها | اثرات اثر / اثرها / آثار
- ◆ جمع بستن واژه‌ها با «ات» و «ین» و «ون»: مسافریں مسافران | مهندسیں مهندسان | آزمایشات آزمایش‌ها | مؤمنیں مؤمنان
- ◆ جمع جمع: رسومات رسوم | وجوهات وجوه | بلادها بلاد | شئونات شئون
- ◆ جمع مکسر واژه‌های فارسی: میادین میدان‌ها | اساتید استادان | بستاین بستان‌ها
- ◆ «نمودن» به جای «کردن»؛ «گشتن» و «گردیدن» به جای «شدن» و «بودن»:
این هم‌اندیشی روز یکشنبه برگزار می‌گردد. می‌شود.
شاه‌عباس او را به سمت معمارباشی اصفهان منصوب نمود. کرد.
- ◆ «پیرامون» و «در اطراف» در معنای «درباره»:
این هم‌اندیشی پیرامون درباره معماری معاصر جهان است.
- ◆ یک حرف اضافه برای چند هم‌پایه که با همه آنها سازگار نیست:
رفتن و برگشتن از تبریز و بازگشتن از آنجا در آن روزگار دست‌کم دو ماه زمان می‌برد.
- ◆ نهادشکنی
ایران مردمش ایران غیورند.
- ◆ استفاده از افعال مجهول همراه با فاعل:
گلستان توسط سعیدی نوشته شد. نوشت.
- ◆ گنبد مسجد دانشگاه شریف را به دست استاد رضا معماران ساخته شد. ساخت.
- ◆ به‌کار بردن «شامل» و «مشمول» به جای هم. شامل به معنای «در بر گیرنده» و مشمول به معنای «در بر گرفته» است:
- این قانون مشمول شامل دانشجویان ورودی ۹۸ نمی‌شود. دانشجویان ورودی ۹۸ شامل مشمول این قانون نیستند.
- ◆ به‌کار بردن «هر از گاهی» به جای گاه‌گاه / گهگاه / گاه / بعضی از اوقات

◆ به کار بردن «با این وجود» به جای «با وجود این».

۱-۷. چند نکته و توصیه زبانی دیگر

◆ حرف اضافه «متفاوت» «با» است و حرف اضافه «متمايز» «از»:

این بنا با آن بنا متفاوت است. این بنا از آن بنا متمایز است.

در به کار بردن اثر و تأثیر و مشتقات آنها، به این نکات توجه کنید:

◆ حرف اضافه «اثر» گاهی «در» است و گاهی «بر». معنای اینها یکی نیست و نباید اینها را به جای هم به کار

برد. مثال:

- صبر و ظفر هردو دوستان قدیم اند/ «بر اثر» صبر نوبت ظفر آید. در اینجا، «اثر» به معنای «جای پا» و دنباله است.

حرف اضافه اش فقط و فقط «بر» است و نمی شود گفت من در اثر سردی هوا سرما خورده ام.

- کمال هم نشین «در من اثر» کرد/ و گرنه من همان خاکم که هستم. در اینجا، اثر کردن به معنای اثر گذاشتن (یا ترکیب

متداول تأثیر کردن یا تأثیر گذاشتن) است. چیزی در چیزی اثر می کند؛ اما چیزی بر چیزی اثر نمی کند. در این

جمله، هردو درست به کار رفته است: کلر در سدیم اثر کرد و بر اثر آن کلرید سدیم پیدا شد.

◆ تأثیر/ تأثیر گذاشتن به معنای اثر گذاشتن است. پس اگر بگوییم تأثیرپذیری، غلط فاحش و حاوی تعارض

است. باید گفت اثرپذیری یا تأثر.

در به کار بردن صیغه های مصدر بایستن، به این نکات توجه کنید:

◆ «بایستی» حتماً معنای منفی می دهد. اگر بگوییم «فریده بایست/ می بایست درس می خواند»، معلوم نیست

که بالاخره فریده درس خواند یا نه؛ اما اگر بگوییم «فریده بایستی درس می خواند»، معنایش این است که

فریده درس نخواند. همچنین است «نبایستی». «او نبایستی آش می خورد» به این معناست که «او آش خورد»

و کار بدی کرد.

◆ بایست و بایستی را نمی توانیم برای حال و آینده به کار ببریم؛ اما باید زمان ندارد (گرچه صورتش مضارع

است). با این حال، بهتر است باید را برای گذشته به کار ببریم.

◆ جز در اندک استثناها، اگر پس از باید و بایست و می بایست و بایستی فعل گذشته به کار بردیم، حتماً

گذشته استمراری باشد: بایست می رفت؛ بایستی می رفت.

◆ «می باید» به زبان معیار تعلق ندارد و بهتر است از به کار بردنش پرهیز کنیم. «می بایست» چنین نیست، زیرا

گاهی موجب تغییر آهنگ و تأکید می شود؛ یعنی می بایست گاهی محکم تر از بایست است.

◆ تا حد ممکن، از به کار بردن «باید» و هم خانواده هایش به معنای «احتمال می رود» و «شاید» و «احتمالاً» و

«حدس می زنیم» خودداری کنیم. عباراتی مثل «باید این طور بوده باشد» زبان را آشفته و مبهم می کند.

۲. عددنویسی

- ◆ اعداد یک‌جزئی را، مگر در جایی که سخن از آمار و ابعاد است، با حروف بنویسید. مثال: یک، ده، دوازده، هفده.
- ◆ اعداد چندجزئی را با رقم بنویسید: ۳۷ (به جای «سی و هفت»)، ۳۴۲، ۵۷۹.
- ◆ «درصد» را، مگر در جایی که سخن از آمار است، بدون فاصله پس از عدد و با حروف بنویسید. مثال: ۳۵ درصد.
- ◆ تاریخ‌هایی را که ابتدا و انتها دارد، از قدیم‌تر به جدیدتر، از راست به چپ بنویسید. مثال: ۱۹۲۱ - ۱۹۴۵.
- ◆ ۴۳۶ - ۲۳۸ ق. برای اینکه در نرم‌افزار، این اعداد برعکس نشود، پس از خط تیره فاصله بگذارید.
- ◆ برای نشان دادن سال تولد بدون وفات، مثلاً در مورد کسی که هنوز زنده است، کافی است سمت چپ خط تیره را خالی بگذارید. مثال: ۱۹۶۰ -
- ◆ برای نشان دادن سال وفات بدون تولد، در مورد کسی که نمی‌دانیم کی متولد شده است، سمت راست خط تیره را خالی بگذارید. مثال: - ۴۵۳ ق
- ◆ تا سدهٔ پانزدهم، لازم است نوع تقویم را بنویسید: سدهٔ پانزدهم میلادی، نیمهٔ دوم سدهٔ هشتم هجری؛ اما از سدهٔ شانزدهم به بعد، که معمولاً تقویمی به‌جز میلادی در کار نیست، لازم نیست نوع تقویم ذکر شود: نخستین باستان‌شناسان اروپایی در سدهٔ هجدهم به ایران وارد شدند.

۳. رسم خط

- ◆ در کلمات مرکب، اصل بر جدانویسی است. کلمات مرکب بسیط‌گونه، یعنی کلمات مرکبی را که بر اثر تداول و عادت چشم، ساده و نامرکب جلوه می‌کنند، سرهم می‌نویسیم؛ مگر در حالتی که جزء دوم آنها بیش از یک هجا داشته باشد. مثال:
مهمان‌خانه | روان‌شناس | خاک‌برداری
آشپزخانه (بسیط‌گونه) | دانشجو (بسیط‌گونه) | کتابخانه (بسیط‌گونه) | روان‌کاو (بسیط‌گونه)
- ◆ «ها»ی نشانه جمع را همواره جدا و با نیم‌فاصله بنویسید. استثنا: آنها، اینها.
- ◆ «تر» و «ترین» را همواره جدا و با نیم‌فاصله بنویسید. استثنا: بهتر، کهتر، مهتر، بیشتر، کمتر.
- ◆ «می» بر سر فعل را همواره جدا و با نیم‌فاصله بنویسید. مثال: می‌شود، می‌رفت، می‌گوید.
- ◆ «به»ی حرف اضافه را همواره جدا بنویسید. مثال: به مدرسه رفت، به ریاست رسید.
- ◆ «به»ی قیدساز را همواره جدا و با نیم‌فاصله با کلمه بعد بنویسید. مثال: به‌تندی، به‌آهستگی، به‌ویژه، به‌سختی، به‌جز
- ◆ «به»ی صفت‌ساز را همواره متصل به کلمه بعد بنویسید. مثال: بسزا، بجا، بموقع، باندازه.
- ◆ در کلمات تنوین‌دار، تنوین بالای «الف» را حتماً بنویسید. مثال: حتماً، واقعاً.
- ◆ «این» و «آن» را جدا از جزء بعد بنویسید. مثال: آن که هلاک من همی‌خواهد و من سلامت‌ش | در این وقت | در آن هنگام. استثنا: آنها، اینجا، اینجا، اینکه (در حالت صلّه)، آنکه (در حالت صلّه)، آنچه.
- ◆ «هیچ» را همواره جدا بنویسید؛ مثال: هیچ‌بنایی. استثنا: هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هیچ‌کس، که باید با نیم‌فاصله نوشته شود.
- ◆ «همین» و «همان» را همواره جدا و با فاصله بلند بنویسید. مثال: همین که، همان شخص؛ استثنا: همین‌جا و همان‌جا، که باید با نیم‌فاصله نوشته شود.
- ◆ همزهٔ پس از «ا» (ā) را ننویسید. مثال: انشاء، املا، شهدا. این کلمه‌ها در هنگام اضافه به این صورت درمی‌آید: انشای، املائی، شهدای (استثنا: مَنَاء در «حکمت مَنَاء»).
- ◆ نشان «ء» (یای میانجی) در بالای «ه» ناملفوظ (ه) را همواره روی «ه» بگذارید. برای این کار، از کلید ترکیبی Shift+< در صفحه کلید استاندارد فارسی استفاده کنید
- ◆ «ابن» یا «بن» را با فاصله کامل از دو طرف بنویسید.
- ◆ «بی» واژه‌ساز را همواره با نیم‌فاصله با کلمهٔ پس از آن بنویسید: بی‌قرار، بی‌هوش، بی‌سواد؛ استثنا: کلمات بسیط‌گونه؛ مانند بیهوده، بیخود.

- ◆ «بی» قیدساز را با نیم‌فاصله با کلمهٔ پس از آن بنویسید. مثال: بی‌علم کاری از پیش نمی‌رود.
- ◆ «هم» را همواره با نیم‌فاصله از کلمهٔ پس از آن بنویسید؛ مگر:
 ۱. کلمه بسیط‌گونه باشد. مثال: همشهری، همواره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان.
 ۲. جزء دوم کلمه تک‌هجایی باشد. مثال: همراه، همسنگ، همدرس، همکار. در این موارد اگر پیوسته‌نویسی موجب دشواری خوانی بشود، «هم» را با نیم‌فاصله از جزء بعد جدا می‌کنیم: هم‌تیم، هم‌صنف.
 ۳. جز دوم با مصوت «آ» شروع شود. مثال: همایش، هم‌وارد، هم‌هنگ. اگر «آ» در تلفظ ظاهر شود، «هم» را با نیم‌فاصله می‌نویسیم. مثال: هم‌آرزو، هم‌آرمان.
- ◆ برای نوشتن پی‌واژه‌های اسنادی مطابق جدول عمل کنید:

مثال			صامت میانجی	کلمات مختوم به
خشنودم	خوشنودی	خشنود است	-	صامت منفصل
خوشنودیم	خوشنودید	خشنودند		
رهروم	رهروی	رهرو است	-	«و» با صدای آنچه نظیر «رهرو» به‌کار رفته است.
رهرویم	رهروید	رهروند		
پاکم	پاکی	پاک است	-	صامت متصل
پاکیم	پاکید	پاک‌اند		
دانایم	دانایی	داناست	«ی»	«آ»
داناییم	دانایید	دانایند		
دانشجویم	دانشجویی	دانشجوست	«ی»	«و» با صدای آنچه در «دانشجو» به‌کار رفته است.
دانشجوییم	دانشجویید	دانشجویند		
توام	تویی	توست	همزه	«و» با صدای آنچه در «تو» به‌کار رفته است
توایم	متروید	تواند		
خسته‌ام	خسته‌ای	خسته است	همزه	«ب» (های غیر ملفوظ)
خسته‌ایم	خسته‌اید	خسته‌اند		
تیزپی‌ام	تیزپی‌اید	تیزپی است	همزه	«ای»
تیزپی‌ایم	تیزپی‌اید	تیزپی‌اند		
کاری‌ام	کاری‌ای	کاری است	همزه	«ای»
کاری‌ایم	کاری‌اید	کاری‌اند		

♦ برای نوشتن ضمایر ملکی و ضمایر مفعولی مطابق جدول عمل کنید:

مثال			صامت میانجی	کلمات مختوم به
برادرمان	برادرت	برادرم	-	صامت منفصل
برادرشان	برادرتان	برادرمان		
کتابشان	کتابت	کتابم	-	صامت متصل
کتابشان	کتابتان	کتابمان		
رهروش	رهروت	رهروم	-	«و» با صدایی نظیر آنچه در «رهرو» به کار رفته است
رهروشان	رهروتان	رهرومان		
پایش	پایت	پایم	ی	آ
پایشان	پایتان	پایمان		
عمویش	عمویت	عمویم	ی	«و» با صدای شبیه به آنچه در «عمو» به کار رفته است
عمویشان	عمویتان	عمویمان		
خانه‌اش	خانه‌ات	خانه‌ام	همزه	«ا» (های غیر ملفوظ) پیش از ضمایر ملکی مفرد
خانه‌شان	خانه‌تان	خانه‌مان		
پیش‌اش	پیش‌ات	پیش‌ام	همزه	«ای» پیش از ضمایر ملکی مفرد
پیش‌شان	پیش‌تان	پیش‌مان		
کشتی‌اش	کشتی‌ات	کشتی‌ام	همزه	«ای» پیش از ضمایر ملکی مفرد
کشتی‌شان	کشتی‌تان	کشتی‌مان		
رادیو‌اش	رادیو‌ات	رادیو‌ام		«و» با صدایی نظیر آنچه در رادیو به کار رفته است
رادیو‌شان	رادیو‌تان	رادیو‌مان		

◆ برای نوشتن یای نکره و یای مصدری و یای نسبی مطابق جدول عمل کنید:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادری
صامت متصل	-	کتابی
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رهرو» به کار رفته است	-	رهروی
«پ» (های غیر ملفوظ)	همزه	خانه‌ای
«ای»	همزه	تیزپای
«ای»	همزه	کشتی‌ای
«و» با صدایی نظیر آنچه در رادیو به کار رفته است	ی	رادیویی
«ا»	ی	دانایی
«و» با صدای نظیر آنچه در دانشجو به کار رفته است	ی	دانشجویی

◆ در متن، برشمردنی‌ها باید یکدست باشند.

اولاً، ثانیاً، ثالثاً، ... / اول، دوم، سوم، ... / اول اینکه، دوم اینکه، سوم اینکه، ...

۴. نشانه‌گذاری

◆ نقطه (.) در این موارد به کار می‌رود:

۱. در پایان جمله خبری یا انشایی

تالار ستون‌دار عالی‌قاپو را در دوره شاه‌عباس دوم ساختند.

به کتیبه‌های خدای‌خانه مسجد عتیق شیراز توجه کنید.

۲. برای نشان دادن کوتاه‌نوشت‌ها (اختصارات)

ه. ا. سایه

— م. (مترجم)

۳. برای تفکیک پاره‌های اطلاعات کتاب‌شناسی

احمد سمیعی. نگارش و ویرایش. تهران: سمت، ۱۳۷۸.

۴. در پایان ارجاع در پانویس؛ در پایان اطلاعات کتاب‌شناسی.

◆ نشانه پرسش (?) در این موارد به کار می‌رود:

۱. در پایان جمله پرسشی

ریشه‌های فرهنگی دگرگونی معماری در دوره تیموریان چیست؟

✓ اگر کل جمله پرسشی نباشد، یا دارای نقل قول غیرمستقیم باشد، در پایان آن نشانه پرسش نمی‌گذاریم: نویسنده مقاله را با این پرسش آغاز می‌کند که ریشه‌های فرهنگی دگرگونی معماری در دوره تیموریان چیست.

✓ در نقل قول مستقیم، نشانه پرسش محفوظ می‌ماند:

نویسنده مقاله را با این پرسش آغاز می‌کند: «ریشه‌های فرهنگی دگرگونی معماری در دوره تیموریان چیست؟»

۲. برای بیان حدس و گمان و تردید

تعداد ساکنان را در هنگام سقوط اصفهان یک میلیون نفر (!) گزارش کرده‌اند.

◆ نشانه تعجب (!) در این موارد به کار می‌رود:

۱. پس از اصوات

حاشا! آفرین! زهی! حَبِّدا!

۲. در پایان جمله تعجبی؛ نیز برای بیان تحسین و تحقیر و استهزا

چه بنای پرشکوهی!

به به از این همه زیبایی!

چه نمای مضحکی!

شگفتا از این همه انضباط و قدرت مدیریت!

۳. تحذیر یا امر تأکیدی

به هوش باش!

زود باش!

◆ ویرگول (،) در این موارد به کار می‌رود:

۱. پس از منادا

دانشجویان گرامی، لطفاً تقویم گروه آموزشی را در تحویل پایان‌نامه مراعات کنید.

۲. برای عطف سازه‌های هم‌پایه: منادا، صفت، قید

استادان، دانش‌آموختگان، دانشجویان گرامی، به جشن فارغ‌التحصیلی سومین دوره کارشناسی ارشد مطالعات

معماری ایران خوش آمدید.

باغ شاهزاده باغی است فراخ، دلباز، پردرخت، فرح‌بخش در دل کویر.

در هر جا که بود، در حضر، در سفر، در وطن، در غربت، تنها، در جمع، همواره به فکر فرهنگ ایران بود.

مناره را دید فروریخته، دیوار مسجد فرونشسته، گنبد ترک‌خورده، متولی در خواب.

۳. سازه‌های هم‌پایه: مفعول صریح موصوف به وجه وصفی

۴. پس از گروه قیدی در آغاز جمله و پیش و پس از آن در میان جمله

بر اثر مویشک‌باران عراق، بخشی از طاق شبستان جنوبی مسجد جامع اصفهان فروریخت.

استادان، پس از وقوع زلزله، دست به کار مرمت این مقبره شدند.

۵. برای مجزا کردن بدل
ساروتقی، وزیر مقتدر شاه عباس دوم صفوی، بانی بناهای بسیاری در اصفهان و بهشهر بود.
۶. برای جدا کردن عبارت معترضه دعایی
در آن سال، امیرنظام گروسى، رحمة الله عليه، از بام فروافتاد و درگذشت.
۷. برای جدا کردن عبارت توضیحی
برای اندودن نما، از اقسام اندود، به ویژه سیم گل، استفاده می کنند.
۸. برای جدا کردن جمله صلۀ غیرتجدیدی
استاد حسن بنای قمی، که از معماران برجسته دوره قاجاریه است، گنبد مدرسه سپهسالار را ساخت.
مهم: اگر صلۀ تجدیدی باشد، آن را جدا نمی کنیم.
- معماری که گنبد مسجد سپهسالار را ساخت معماری تیم بزرگ قم را هم بر عهده داشت.
۹. به جای «و» عطف بین جمله های هم پایه
آمدند، ویران کردند، سوختند، کشتند، رفتند.
۱۰. برای جدا کردن جمله قیدی پیرو از جمله پایه
جواهر، اگر در خلاب افتد، همان نفیس است و غبار، اگر به فلک رسد، همان خسیس.
۱۱. برای جدا کردن شرط از نتیجه، اگر شرط خیلی کوتاه نباشد.
اگر شب ها همه قدر بودی، شب قدر بی قدر بودی.
۱۲. به جانشینی محذوف
کارگزاران دولت ناصری رفتند تا سیم و غله اندوزند؛ مسافران فرنگ، تا صندوق هایشان را از عتیقات ایرانیان
بیاکنند.
۱۳. برای جدا کردن اجزای تاریخ یا نشانی
یکشنبه، ۷ آذر ۱۳۸۹
تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی
۱۴. برای جدا کردن اجزای فرعی اطلاعات کتاب شناسی
احمد سمیعی. نگارش و ویرایش. تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۱۵. برای جدا کردن اجزای وقت
ساعت ۳۵، ۱۱
۱۶. برای جدا کردن اجزای عدد
مبلغ ۴۳۵، ۷۳۲، ۱ ریال
۱۷. در این موارد، ویرگول به کار نمی بریم:

پس از نهاد یا فاعل

این × مقبره محمود غزنوی است.

شاهرخ × بناهای بسیاری ساخت.

قید کوتاه یا گروه قیدی بسیار کوتاه

شاهرخ × در مشهد × بناهای بسیاری ساخت.

فعلاً × باید مستندسازی آثار تاریخی را در اولویت قرار داد.

شرط بسیار کوتاه

اگر رفتی × بردی و اگر خفتی × مُردی.

در دو طرف صله تحدیدی یا پیش از آن

جوآنمرد × که بخورد و بدهد × به از عابد × که روزه دارد و بنهد.

✓ ویرگول فقط نشانه مکث نیست؛ بلکه کار اصلی اش جدا کردن پاره‌های دستوری نوشته است. کمبود

ویرگول بهتر از زیادی ویرگول است. بنا بر این، در به کار بردن ویرگول گشاده‌دستی نکنید.

◆ نقطه‌ویرگول (!) در این موارد به کار می‌رود:

۱. برای جدا کردن سازه‌ها و جمله‌های هم‌پایه‌ای که درون یک یا چندتای آنها ویرگول به کار رفته باشد

چون صفویان زمینه را برای رشد هنر و صنعت ایران و رفاه مردم فراهم آوردند، آنان را دوست می‌دارم؛ چون بر

مخالفان ستم کردند، آنان را دشمن می‌دارم؛ و چون ظاهر دین را بر باطن آن برتری نهادند، از آنان بیزارم.

۲. به جای نقطه، پیش از جمله‌ای که با او عطف آغاز یا نهادش به قرینه حذف شده باشد.

یعقوب لیث، به گواهی مورخان، آبادانی بسیار کرد؛ و به هر جا که رسید، اهل هنر را حرمت نهاد.

تهران قدیم شهری بود آبادان؛ قنات‌های متعدد داشت.

تبصره: بین جمله‌های معطوف، اگر فعل به قرینه حذف شده باشد، نقطه‌ویرگول نمی‌گذاریم.

ظرافت بسیار کردن هنر ندیمان است و عیب حکیمان.

هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.

۳. در پایان هر شاهد یا هر قسم مجزا از یک مجموعه شواهد و اقسام، اگر به صورت جمله نیامده باشد.

از نظر مرحوم پیرنیا، معماری ایرانی بر پنج اصل استوار است: مردم‌واری؛ درون‌گرایی؛ خودبسندگی؛ پرهیز از

بیهودگی؛ نیارش و پیمون.

از آثار استاد قوام‌الدین است: مسجد گوهرشاد مشهد؛ مدرسه گوهرشاد هرات؛ جماعت‌خانه شیخ زین‌الدین ابوبکر

تایب‌دای؛ مدرسه گیائیه خرگرد.

۴. در بیان مثال و توضیح؛ معمولاً پیش از کلمات «مثلاً»، «یعنی»، «به عبارت دیگر»

ساختن مقبره و زیارتگاه در سرتاسر جهان اسلام رایج بوده است؛ یعنی خاص مناطق شیعه‌نشین نبوده است.

از استاد قوام‌الدین شیرازی آثاری به جا مانده است؛ مثلاً مسجد گوهرشاد مشهد و مدرسه گیائیه خرگرد.

۵. در بیان علت، معمولاً پیش از «زیرا» و مانند آن ساختن مقبره و زیارتگاه در سرتاسر جهان اسلام رایج بوده است؛ زیرا فقط وهابیان مخالف ساختن مقبره‌اند.
۶. پیش از «بلکه»، در صورتی که عبارت یا جمله قبل یا بعد از «بلکه» کوتاه نباشد. ساختن مقبره و زیارتگاه خاص مناطق شیعه‌نشین نبوده؛ بلکه در سرتاسر جهان اسلام رواج داشته است.
۷. اختیاری: در پایان بندهای شماره‌دار، اگر جمله کامل نباشند، به جز آخرین بند، که باید به نقطه ختم شود.

◆ دو نقطه (:): در این موارد به کار می‌رود:

۱. پیش از مجموعه‌ای از شواهد و مثال‌ها و اقسام و اجزا از نظر مرحوم پیرنیا، معماری ایرانی بر پنج اصل استوار است: مردم‌واری؛ درون‌گرایی؛ خودبسندگی؛ پرهیز از بیهودگی؛ نیارش و پیمون.
۲. پیش از عبارت توضیحی در بیان یا تأیید مطلبی نتیجه‌گریز مسعود از سلجوقیان دور از انتظار نبود: غلامان بر او شوریدند و او را کشتند.
۳. پیش از نقل قول مستقیم، اگر حرف ربط «که» پیش از آن نیامده باشد گفت: «از بهر خدا می‌خوانم». گفت: «از بهر خدا بخوان».
۴. بین اصل و فرع در اطلاعات کتاب‌شناسی احمد سمیعی. نگارش و ویرایش. تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۵. در استناد (پانویس و ...)، بین عدد سوره و عدد آیه بقره (۲): ۱۸۳.

◆ سه نقطه (...): برای نشان دادن سخن ناتمام یا حذف پاره‌ای از سخن به کار می‌رود:

مغولان مسجد و مقبره و دیوان و ایوان و ... را یکسره از میان بردند.

✓ در نقل قول مستقیم، سه نقطه‌ای را که خود افزوده‌ایم در درون قلاب می‌گذاریم.

◆ گیومه روی سطر (« »): در این موارد به کار می‌رود:

۱. برای نشان دادن نقل قول مستقیم

غزالی می‌گوید: «بدان که هرچه در دست سلطانین روزگار است، که از خراج مسلمانان سنده‌اند یا از مصادره یا از رشوت، همه حرام است».

✓ اگر نقل قول مستقیم سه سطر یا بیشتر باشد، به جای گیومه، آن را با تغییر در طول سطر و نوع و اندازه قلم مشخص می‌کنیم.

۲. برای مشخص کردن اصطلاحات علمی یا تعبیرات ناآشنا در اولین بار کاربرد در متن.

برخی از مترجمان به غلط اصطلاح «طاق گهواره‌ای» را به جای «طاق آهنگ» به کار برده‌اند.

۳. برای نشان دادن عنوان سوره‌ای از قرآن، یا پاره‌ای از دیگر کتاب‌های مقدس، عنوان مقاله یا فصلی از کتاب.

گرابار در مقاله «مقبره سامانیان در سمرقند» نشان داده است که مقبره معروف به امیر اسماعیل سامانی بدو تعلق ندارد.

۴. برای مشخص کردن کلمه یا عبارتی که لفظ آن مراد باشد نه معنا و مفهوم و مصداق آن. «تخمیر»، بر وزن تفعیل، از ماده «خمر» است؛ و معلوم نیست بتایان چرا آن را به معنای پیاده کردن نقش بر سطح مستوی به کار می‌برند.

۵. برای مشخص کردن عبارتی که نویسنده از بابت کاربردش از خود سلب مسئولیت کند «مبارزه با بی‌برنامگی در شهرسازی» مدت‌ها وسیله تبلیغات وزارت مسکن بود.

۶. برای مشخص کردن کلمه یا عبارتی که در معنایی خاص یا بجای یا تمسخرآمیز به کار رود حسن را، که مردی لاغراندام و کوتاه‌قد بود، دوستان «رشیدالسلطان» لقب داده بودند.

✓ نام‌های خاص (اعلام) را، مگر در مواردی که ذکر شد، در گیومه نمی‌گذاریم.
✓ در متون قدیم فارسی، بهتر است نقل قول مستقیم را درون گیومه نگذاریم. پیداست که اگر خود چیزی از متون قدیم نقل کردیم، آن را در گیومه می‌گذاریم؛ اما اگر در درون آن متن، چیزی از کسی نقل شد، آن را در گیومه نمی‌گذاریم.

◆ گیومه بالای سطر (‘’) برای مشخص کردن نقل در نقل، یا به جای گیومه در درون مطلبی که خود گیومه داشته باشد به کار می‌رود.

گفت: «در گلستان سعدی نخوانده‌ای که ‘هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است؟’»
معاون وزیر گفت: «مبارزه با بی‌برنامگی، در شهرسازی مدت‌ها وسیله تبلیغات وزارت مسکن بود.»

◆ خط / تیره کشیده (—) در این موارد به کار می‌رود:

۱. برای جدا کردن عبارت معترضه

یک روز تمام — اگر لازم باشد، دو روز — برای انجام دادن این کار فرصت دارید.

۲. برای جدا کردن کلمه و عبارتی توضیحی یا تأکیدی

شهر و هرچه در آن بود — ساکنان و چهارپایان و بناها — در آتش سوخت.

حلب را شهری نیکو دیدم؛ باره‌ای عظیم دارد — ارتفاعش بیست و پنج ارش قیاس کردم — و قلعه‌ای عظیم، همه بر سنگ نهاده.

۳. برای رجوع به ماقبل یا جمع و خلاصه کردن آن

بناهای بسیاری ساخت — بناهایی که در تاریخ ایران ماندگار شد.

علم، هنر، مهارت، ذوق — همه را در ساختن این بنا به کار گرفت.

۴. برای جدا کردن کلمه و عبارتی توضیحی یا تأکیدی.

شهر و هرچه در آن بود — ساکنان و چهارپایان و بناها — در آتش سوخت.
حلب را شهری نیکو دیدم؛ باره‌ای عظیم دارد — ارتفاعش بیست و پنج ارش قیاس کردم — و قلعه‌ای عظیم، همه بر سنگ نهاده.

✓ در صفحه کلید استاندارد و در واژه‌پرداز مایکروسافت ورد، برای نوشتن تیره کشیده از کلید ترکیبی Shift+-- استفاده می‌کنیم.

◆ نیم‌خط / تیره کوتاه (-) در این موارد به کار می‌رود:

۱. در بین اجزای برخی از ترکیبات

اوضاع فرهنگی-اجتماعی

۲. به جای «تا» در بیان فواصل زمانی و مکانی و مقداری، اگر عدد آنها با حروف نوشته شده باشد

جاده مشهد-هرات

رجب-ربیع الاول ۱۰۲۳ق

پانزده-بیست فرسنگ

۳. برای نشان دادن هریک از اقسام، اگر شماره‌گذاری‌شان لازم نباشد. (در سر اسپون)

۴. برای نشان دادن تغییر سخن‌گو، به‌ویژه در نمایش‌نامه یا پاره‌های مکالمه‌ای داستان

✓ در صفحه کلید استاندارد و در واژه‌پرداز مایکروسافت ورد، برای نوشتن تیره کوتاه از کلید ترکیبی Shift+- استفاده می‌کنیم.

◆ تیره رقومی (-) به جای «تا» در بین ارقام به کار می‌رود:

در سال‌های ۷۵۰-۲۳۱ق م

۱۲۰۰-۱۵۰۰ کیلومتر

خواجه نظام‌الملک طوسی (وزارت ۴۵۵-۴۸۵ق)

◆ پرنانز / هلالین / کمان () برای در بر گرفتن این موارد به کار می‌رود:

۱. عبارات توضیحی و تکمیلی و معترضه و عموماً فرعی که حذف آنها به اصل مطلب صدمه نزنند

اسیوط بزرگ‌ترین شهر صعید مصر (مصر علیا) بود.

استانبول (اسلامبول، قسطنطنیه) بندری است بر دو ساحل بوسفور.

۲. سنوات ولادت و وفات یا حکومت و وزارت و مانند آن

خواجه نظام‌الملک طوسی (وزارت ۴۵۵-۴۸۵ق)

۳. معنی واژه (ترجیحاً با علامت مساوی)

این سنگاب را در کرباس (= هشتی) نهاده‌اند.

۴. کوتاه‌نوشت عبارتِ دعایی

حضرت علی بن ابی‌طالب (ع)

◆ قلاب/ کروش ([]) برای در بر گرفتن این موارد به کار می‌رود:

۱. افزوده‌های نویسنده در نقل قول مستقیم یا افزوده‌های مصحح متن کهن (بر اساس اختلاف نسخه‌ها) در متن

گذار به خطا می‌گوید: «مسجد جامع اردستان نخستین مسجدی است که [از آغاز] با الگوی چهارایوانی ساخته شد».

۲. مطلبی در حاشیهٔ اصل سخن

ناطق گفت: «با استفاده از قوس در نمای بناها، همهٔ شهرهای ایران اسلامی خواهد شد». [کف زدن حصار]

ابرو/ آکولاد ({ }) برای در بر گرفتن افزوده‌های نویسندهٔ اول در نقل در نقل به کار می‌رود.

در تذکرهٔ الاولیاء عطار، تصحیح محمد استعلامی، چنین آمده است: «مردان چهار [تن] بودند {در روزگار خویش} یکی از ایشان {آن بود که} نه از سلطان سندی نه از رعیت.»

◆ خط فارق/ خط مورب/ ممیز (/) در این موارد به کار می‌رود:

۱. برای جدا کردن دو گاه‌شمار

سدهٔ نهم / پانزدهم

سال ۱۳۵۷ ش / ۱۹۷۹ م

۲. برای نشان دادن گونه‌های یک واژه

باره / بارو: دیوار شهر را گویند.

۳. برای جدا کردن مصرع‌های هر بیت، اگر بخواهند آنها را، بی‌فاصله، به دنبال هم بنویسند.

آه آه از دست صرافان گوهرناشناس / کاین زمان خرمهره را با دُر برابر می‌کنند

✓ در شعر سنتی، نشانهٔ سجاوندی به کار نمی‌بریم (مگر خط فارق برای تفکیک مصرع‌ها)

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید / گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید

گویند بخواب تا به خوابش بینی / ای بی‌خبران چه جای خواب است مرا

✓ در شعر نو، در به کار بردن نشانه‌ها کاملاً از خود شاعر یا ناشر پیروی می‌کنیم و در آن تصرف نمی‌کنیم.

هیچ می‌دانی چرا، چون موج،

در گریز از خویشتن، پیوسته می‌کاهم؟

زانکه بر این پردهٔ تاریک،

این خاموشی نزدیک،

آنچه می‌خواهم نمی‌بینم،

و آنچه می‌بینم نمی‌خواهم.

✓ تصرف در رسم خط و نشانه‌گذاری متن نقل قول مستقیم مجاز است؛ مشروط بر آنکه در معنای مورد نظر نویسنده تغییری ندهد.

✓ فاصله‌گذاری در نشانه‌های سجاوندی بسیار مهم است.

◆ همه نشانه‌ها از سمت راست بدون فاصله و از سمت چپ با فاصله کامل نوشته می‌شوند؛ مگر این موارد:

۱. تیره کشیده، که باید باید پیش و پس از آن فاصله گذاشته شود.

۲. سه نقطه، که باید پیش و پس از آن فاصله کامل، اما نشکن، گذاشته شود.

۳. تیره کوتاه، که باید پیش از آن نیم‌فاصله (فاصله کوتاه) و پس از آن فاصله گذاشته شود.

۴. تیره رقومی، که باید پیش از آن بدون فاصله باشد و پس از آن فاصله گذاشته شود (برای جابه‌جا نشدن رقم‌ها در واژه‌پرداز).

۵. پرانتز اول (پرانتز سمت راست)، که باید با کلمه قبلی فاصله داشته باشد و با کلمه درون پرانتز بدون فاصله باشد.

۶. گیومه اول (گیومه سمت راست)، که باید با کلمه قبلی فاصله داشته باشد و با کلمه درون گیومه بدون فاصله باشد.

♦ برای نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها، از جدول زیر استفاده کنید.

کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

ت	تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول
ج	جلد
چ	نوبت چاپ
ح	در حدود
حک	حکومت
س	سطر
س م	ساعتی متر
ش	شماره (پیش از عدد)؛ هجری شمسی (پس از رقم)
ص	صفحه؛ صفحات
ف	فوت
ق	هجری قمری (پس از رقم)
ق م	قبل از میلاد مسیح (پس از رقم)
م	میلادی (پس از رقم)
م م	میلی متر
نک:	نگاه کنید به؛ رجوع کنید به
و	ولادت
/	یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت
[]	مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا ویراستار به متن نقل قول مستقیم
_____ .	تکرار نام مؤلف (در کتاب‌نامه)

۵. شیوه نقل قول و ارجاع

نقل قول و ارجاع در حالات مختلف به شیوه زیر انجام می‌گیرد.^۱

۵-۱. نقل قول مستقیم کوتاه (دو سطر و کمتر)

مثال:

- اگرچه انحطاط معماری ایران از زمان قاجاریان آغاز شد، در معماری آن دوره نیز «طرح‌های کودکانه و شاعرانه تک‌تک به چشم می‌خورد که خالی از لطف و ظرافت نیست.»^۲
- ◆ قسمت منقول را، با همان قلم متن، در درون گیومه روی سطر («») می‌آوریم.
 - ◆ گیومه، چه در آغاز و چه در انجام، نباید با مطلب درون گیومه فاصله (اسپیس) داشته باشد.
 - ◆ اگر پس از اتمام نقل قول، هم جمله اصلی تمام شود و هم نقل قول، نقطه را در بیرون گیومه می‌گذاریم.
 - ◆ عدد ارجاع (تک) را همواره در بیرون گیومه می‌گذاریم.
 - ◆ اگر بلافاصله پس از گیومه نشانه سجاوندی‌ای آمده باشد، عدد تک را پیش از نشانه می‌آوریم؛ مگر آنکه در آن جمله، به‌جز عبارت منقول مطلب دیگری نیاورده باشیم.
 - ◆ اگر در درون مطلب منقول، نقل قول شده باشد (نقل در نقل)، نقل قول دوم را در درون گیومه بالای سطر (‘) می‌آوریم.

۵-۲. نقل قول مستقیم بلند (سه سطر و بیشتر)

مثال:

- اگرچه انحطاط معماری ایران از زمان قاجاریان آغاز شد، در معماری آن دوره نیز طرح‌های کودکانه و شاعرانه تک‌تک به چشم می‌خورد که خالی از لطف و ظرافت نیست. همان‌طور که تمدن دیرتر از مرکز به شهرستان‌ها می‌رسد، خوش‌بختانه انحطاط هم مدتی به طول می‌انجامد تا رهسپار شهرستان‌ها شود؛ به طوری که در دوران انحطاط معماری، زیباترین تیم‌ها و کوشک‌ها و گرمابه‌ها در قم و کاشان و یزد و کرمان ساخته شده است.^۱
- ◆ این پاراگراف از سر‌اشپون شروع می‌شود؛ نه از سر سطر (سطر اول آن مانند سطرهای دیگر آغاز می‌شود).
 - ◆ عدد ارجاع (تک) را همواره در انتهای این پاراگراف می‌گذاریم.
 - اگر محتوای پاراگراف پس از نقل قول در ادامه پاراگراف پیش از آن باشد، پاراگراف پس از نقل قول را از سر‌اشپون آغاز می‌کنیم.

^۱ نزدیک‌ترین شیوه‌نامه به شیوه‌نامه حاضر از حیث ارجاع و استناد شیوه‌نامه دانشگاه شیکاگو (ویراست ۱۵) است. در موارد مبهم، می‌توانید به آن شیوه‌نامه مراجعه کنید:

https://www.chicagomanualofstyle.org/tools_citationguide/citation-guide-1.html

۵-۳. استناد

♦ استناد در پانوشت: کتاب با یک نویسنده:

۱. کتاب یک جلدی: نام و نام خانوادگی نویسنده، عنوان کتاب، ص شماره صفحه.

مثال:

نوع مواجهه مسلمانان و ایرانیان در عصرهای گذشته نیاز به بررسی دقیق تری دارد. یکی از محققان معتقد است که «در قرون وسطای اسلامی، مسئله مذموم بودن تخریب آثار حداقل بین علما روشن بوده است»^۵؛ و منظور او از علما همه دانشمندان و فرهیختگان است.

۵. مهدی حجت، میراث فرهنگی در ایران، ص ۱۷۰.

۲. کتاب دو یا چند جلدی: نام خانوادگی نویسنده، عنوان کتاب، ج شماره جلد، ص شماره صفحه.

مثال:

توجه به تاریخ در معماری با تاریخگیری برابر نیست. «گونه‌ای از توجه به تاریخ که تعامل [...] و بازتاب‌های این پارامترها را در نظر نگیرد برخوردی سطحی محسوب می‌شود.»^۵

۵. آنتونیادس، بوطیقای معماری، ج ۲، ص ۲۷۴.

♦ استناد در پانوشت: کتاب با دو نویسنده

۱. نام خانوادگی نویسنده ۱ و نام خانوادگی نویسنده ۲، عنوان کتاب، ص شماره صفحه.

مثال:

معماران اسلامی، مانند همتایان خود در اروپای قرون وسطا، در پی «فرمول» و «وسیله» ای برای پیوند دادن آثار خود با جهان بودند. آنان هندسه را برای این منظور برگزیدند.^۳

۳. السعید و پارمان، نقشهای هندسی در هنر اسلامی، ص ۱۳۹.

♦ استناد در پانوشت: کتاب با بیش از دو نویسنده

۲. نام خانوادگی نویسنده ۱ و دیگران، عنوان کتاب، ص شماره صفحه و شماره صفحه.

مثال:

ترکیب عناصر در معماری تیموری بر سه نوع است: ترکیب طولی، ترکیب متمرکز، ترکیب نامحدود. هر طرح «با اصول ثانوی طرح تغییر شکل می‌یافت: تقارن، تکرار، و الحاق»^۷.

۷. گل‌مبک و دیگران، معماری تیموری در ایران و توران، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

◆ استناد در پانوشت: مقاله در مجموعه مقالات یا نشریه

نام خانوادگی نویسنده، «عنوان مقاله»، ص شماره صفحه.

مثال:

پیوند تأسیسات دفاعی آبادی‌ها با امکانات طبیعی در بسیاری از آبادی‌های ایران در روزگار باستان آشکارا دیده می‌شود. در سرزمین مرتفع اورارتو، محوطه‌های مسکونی روی صفت‌های طبیعی همواره نزدیک چشمه آب و هم‌جوار با تأسیسات قلعه استقرار می‌یافته‌اند تا اینکه ساکنان آنها بتوانند در صورت بروز خطر به موقع به تأسیسات قلعه پناه ببرند.^۷

۷. ولفرام کلایس، «شهرهای اورارتو»، ص ۷۸.

◆ استناد در پانوشت: مقاله (در کتاب مرجع)

عنوان مرجع و نام خانوادگی نویسنده، ذیل «عنوان مدخل».

مثال:

معنای واژه «خانه» در طی تاریخ زبان فارسی متحول شده است. در لغت‌نامه دهخدا، این معانی برای خانه ذکر شده است: مسکن، سرا، منزل، مستقر، بیت، اتاق.^۹ متأسفانه در زبان فارسی فرهنگ جامعی نیست که سیر تحول تاریخی واژه‌ها در آن بیان شده باشد.

۹. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «خانه».

◆ استناد در پانوشت: پایان‌نامه (منتشر نشده)

نام خانوادگی نویسنده، عنوان پایان‌نامه، ص شماره صفحه - شماره صفحه.

مثال:

معنای واژه «خانه» در طی تاریخ زبان فارسی متحول شده است. در لغت‌نامه دهخدا، این معانی برای خانه ذکر شده است: مسکن، سرا، منزل، مستقر، بیت، اتاق. متأسفانه در زبان فارسی فرهنگ جامعی نیست که سیر تحول تاریخی واژه‌ها در آن بیان شده باشد.^۷

۷. فاطمه مدرسی، تحول معنای «خانه» در زبان فارسی، ص ۱۲-۱۱.

◆ استناد در پانوشت: گفتگو (منتشر نشده)

نام خانوادگی مصاحبه‌شونده، مصاحبه شخصی با نام مصاحبه‌کننده.

معنای واژه «خانه» در طی تاریخ زبان فارسی متحول شده است. در لغت‌نامه دهخدا، این معانی برای خانه ذکر شده است: مسکن، سرا، منزل، مستقر، بیت، اتاق. متأسفانه در زبان فارسی فرهنگ جامعی نیست که سیر تحول تاریخی واژه‌ها در آن بیان شده باشد.^{۱۲}

۱۲. آیت‌الله‌زاده شیرازی، گفتگوی شخصی با رضوی.

◆ استناد در پانوشت: تکرار نام نویسنده یا مأخذ

۱. همان نویسنده، همان مأخذ، همان جلد، همان صفحه: همان‌جا.

۲. همان نویسنده، همان مأخذ: همان، ص ...: همان، ص...

۳. همان نویسنده، مأخذی دیگر: همو، نام مأخذ

مثال

معنای واژه «خانه» در طی تاریخ زبان فارسی متحول شده است. در لغت‌نامه دهخدا، این معانی برای خانه ذکر شده است: مسکن، سرا، منزل، مستقر، بیت، اتاق.^۱ متأسفانه در زبان فارسی فرهنگ جامعی نیست که سیر تحول تاریخی واژه‌ها در آن بیان شده باشد و از آنچه در لغت‌نامه دهخدا آمده است نمی‌توان سیر تحول معنایی خانه را دریافت.^۲

دامنه معنایی «سرا» نیز به گسترده‌تری «خانه» است. در دوره‌ای از تاریخ زبان فارسی، معنای سرا بیشتر معطوف به جنبه‌های جسمی و کالبدی خانه بوده است. همچنین به خانه‌های فاخر یا به خانه بزرگان و اعیان «سرا» می‌گفتند.^۳ بعدها یکی از معنای سرا و یکی از معنای خانه برابر شد و همان معنا رواج یافت.^۴

یکی از تفاوت‌های کاربردی خانه و سرا که هنوز باقی است این است که کلمات مرکبی که جزء دومشان «خانه» است (مانند صندوق‌خانه، کتابخانه، داروخانه) معمولاً بر مکانی خرد دلالت می‌کند و کلمات مرکبی که جزء دومشان «سرا» است بر مکان‌های کلان (مانند کاروان‌سرا). مهمان‌خانه به معنای هتل در این میان استثناست و گویا ساخته سده اخیر است.^۵ در سالیان اخیر ترکیبات نامناسبی با «سرا» ساخته‌اند که برخی از آنها به حد رکاکت رسیده است؛ مانند «پارچه‌سرا»، «پاچه‌سرا»، «جگر‌سرا».^۶

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «خانه».

۲. مدرسی، تحول معنای «خانه» در زبان فارسی، ص ۱۳-۱۱.

۳. همان‌جا.

۴. فاتحی، «اجزای فرعی خانه حاشیه‌کوبیر»، ص ۴۳.

۵. همان، ص ۵۸.

۶. همو، «آشفته‌گی واژگان معماری امروز»، ص ۹۲.

درست یک قرن پیش، زمین‌شناس و محقق اتریشی به نام فردیناند فون ریشتهوفن^۱ (۱۸۳۳-۱۹۰۵) اصطلاح «جاده ابریشم» را باب کرد، که دال بر شبکه‌ای از راه‌هاست که چین و اروپا را از سده سوم پیش از میلاد تا سده نهم/پانزدهم به هم وصل می‌کرد. ابریشم، که از اواخر دوره چو^۲ (۲۵۶-۱۰۵۰ ق م) با غرب مبادله می‌شد،^۳ تنها یکی از اقلامی بود که در این مسیر داد و ستد می‌شد.^۴ سنگ یشم را قبل از سده هفدهم پیش از میلاد از آسیای مرکزی و ظروف بلوری را در دوره کین^۵ (ح ۲۰۶-۲۲۱ ق م) از حوزه مدیترانه به چین آوردند.^۶ بازرگانان سفالینه‌های نفیس چین را در دوره عباسیان در قرن سوم/نهم به عراق وارد کردند^۷ و ظروف منقوش زیرلعابی اسلامی را به چین بردند.^۸ اما شاید مهم‌ترین کالایی که در این مسیر مبادله می‌شد کاغذ بود.

کاغذ قرن‌ها پیش از میلاد در چین اختراع شد.^۹ احتمالاً کاغذ و دانش ساخت آن را زایران بودایی از چین به هند بردند.^{۱۰}

-
1. Ferdinand von Richthofen
 2. Zhou
 3. Srensen and Marshak, "Silk Route", p. 121.
 4. Ibid, 723.
 5. Qin
 6. Srensen and Marshak, "Silk Route", p. 121.
 7. Carswell, *Blue and White: Chinese Porcelain and Its Impact on the Western World*, p. 296.
 8. Idem, *Blue & White: Chinese Porcelain around the World*, p. 152.
 9. Srensen and Marshak, "Silk Route", p. 114.
 10. Ibid.

۵-۴. فهرست منابع

برای تهیه فهرست منابع، تمام کتاب‌ها، مقاله‌ها، و گفتگوهای را که در متن به آن ارجاع داده‌اید، به ترتیب نام‌خانوادگی نویسنده / مصاحبه‌شونده فهرست کنید. کتاب‌های مرجع در این فهرست نمی‌آیند. متون دینی مانند قرآن را در این فهرست نباید بیاورید مگر به ترجمه به‌خصوصی از آن ارجاع داده باشید.

مثال:

ابن سینا، حسین بن عبدالله. *رساله منطق دانشنامه علائی*. تصحیح غلامحسین صدیقی. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۱۸.
 آل‌داوود، سیدعلی. «بررسی رساله‌ها و اسناد تاریخی سفینه تبریز». در *نامه فرهنگستان*، ش ۲۵ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۱۱۲ - ۱۲۱.

آنتونیادس، آنتونی دی. *بوطیقای معماری*. ترجمه احمدرضا آی. ج ۲. تهران: سروش، ۱۳۸۲.
 آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. گفتگوی شخصی با نگارنده. تهران: تیر ۱۳۸۶، دفتر نام‌برده در خانه قوام‌الدوله.
 بلوری مونا. *از شهرهای مینویی تا شهرهای زمینی: معماری و اطوار آن در شاهنامه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. استاد راهنما: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، بهمن ۱۳۹۰.

حجت، مهدی. *میراث فرهنگی در ایران: سیاستها برای یک کشور اسلامی*. تهران: هرمس، ۱۳۸۰.

- السعيد، عصام و عايشه پارمان. *تقشهای هندسی در هنر اسلامی*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. ج ۵. تهران: سروش، ۱۳۸۷.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. *منطق الطیر*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- کلایس، ولفرام. «شهرهای اورارتو». در *محمدیوسف کیانی (و.)، شهرهای ایران، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۷۵-۸۴*.
- گلمبک، لیزا و دیگران. *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- ندیی، هادی. «آئین جوانمردی و طریقت معماران». در *مجموعه مقالات [نخستین] کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ش ۲، ص ۴۴۸-۴۷۴*.
- نصر، سیدحسین. «مقدمه». در *السعيد و پارمان، تقشهای هندسی در هنر اسلامی*.
- Abbott, Nabia. "A Ninth-Century Fragment of the Thousand Nights: New Light on the Early History of the Arabian Nights." In *Journal of Near Eastern Studies*, no.8 (Summer 1938), pp. 129-164.
- Blair, Sheila S. *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006.
- Carswell, John. *Blue and White: Chinese Porcelain and Its Impact on the Western World, Exhibition Catalogue*, Chicago: The David and Alfred Smart Gallery, University of Chicago, 1985.
- _____. *Blue & White: Chinese Porcelain around the World*, Chicago: Art Media Resources, 2000.
- Eche, Youssef. *Les bibliothèques arabes publiques et semipubliques en Mésopotamie, en Syrie et en Egypte au moyen age*, Damascus: Institut français de Damas, 1967.
- Hunter, Dard. *Papermaking: The History and Technique of an Ancient Craft*, New York: Dover, 1974.
- Goitein, S. D. *A Mediterranean Society*, Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1994.
- Hoernle, A. F. Rudolf. "Who Was the Inventor of Rag-Paper?" in *Journal of the Royal Asiatic Society*, no. 43 (1903), pp. 663-684.
- Khan, Bills Geoffrey. *Letters and Deeds: Arabic Papyri of the 7th to 11th Centuries*, ed. Julian Raby, London: Oxford University Press, 1993.